

مقاله کوتاه زیر در نشریه پژوهش، چاپ کالیفرنیا، شماره 174 (دسامبر 2005)،

صفحه 27، درج گردیده و نقل جزئی یا کلی آن فقط با ذکر مأخذ آزاد است.

نکته هائی دربارهٔ

یلدا

و ارتباط آن با کریسمس ...

یلدای ما روز است نه شب!

دکتر بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

درباره شب یلدا تا کنون مطالب بسیار گفته و نوشته شده، گاه آمیخته با اسطوره و افسانه و گاه با داستان هائی از برپائی رسم و آئین آن در مناطقی از کشورمان. در این مختصر کوشش گردیده تا دور از داستانسرانی و افسانه پردازی، سابقه و اصالت یلدا و ارتباط آن با مسیحیت در حد امکان روشن گردد.

اول - یلدا واژه ایست سُرّیائی به معنی میلاد، و سُرّیائی نام زبانی است که مردم سوریه و شمال عراق قبل از میلاد مسیح و تا چند قرن بعد از آن یعنی تا ظهور اسلام با آن صحبت می کرده اند و رابطه تنگاتنگ با زبان یونانی دارد. صد البته که بلافاصله این سوال پیش می آید: میلاد چه کسی؟

دوم - آنچه اکنون به نام شب یلدا معروف است بلندترین شب سال در نیمکره شمالی است و مبادا کسی فکر کند که چون یلدا و بلند هر دو تاشان حروف لام و دال را به همان ترتیب دارند، لابد یک جوری بهم مربوط می شوند! در هر حال، بلندترین شب سال مصادف است با کوتاه ترین روز سال، یعنی از فردای چنین شبی روزها به تدریج بلندتر می شود، گویی روز اول دی روز تولد خورشید است و از آن روز ببعد خورشید چون طفل نوزاد هر روز رشد می کند، یعنی روزها بلندتر می شود، و اگر در سراسر عالم بگردیم می بینیم فقط خورشید است که هر جا متولد شود همان جا روز است، یعنی تولدش نمی تواند شب باشد! ولی همچون مناسبت های دیگر مانند تولد افراد، سالگردها، عید و چهارشنبه سوری همیشه شب قبل از آن را جشن می گیرند. البته خواهیم دید که نام روز تولد خورشید از ابتدا یلدا نبوده است.

سوم - اهمیت خورشید نه چیز تازه ای است و نه در آینده از آن کاسته خواهد شد. در مدرسه می خواندیم که "خورشید سرچشمه انرژی عالم است"، ولی توضیح نمی دادند چرا؟ بدون خورشید هیچ گونه گیاه سبز وجود نخواهد داشت، و در چرخه حیات بر روی کره زمین بدون گیاهان سبز هیچ جانوری هم وجود نخواهد داشت، زیرا در زنجیره نیاز موجودات به یکدیگر جانوران

گوشتخوار مجبور به تغذیه از جانوران علفخوار می شوند. البته قضیه بیش از این هاست و شامل تشکیل مواد سوختی فسیلی مانند نفت هم می شود.

چهارم - بر این اساس، مردمان عهد قدیم، پیش از آیین زردشت، خورشید را مقدس ترین موجود می دانستند و آن را می پرستیدند، و طبعاً این بلندتر شدن روزها مهم ترین پدیده برای آنان بشمار می رفته است. دو کلمه مهر و میترا به معنی خورشید هستند و همه این چیزهایی را که اینجا و آنجا از میترانسیم و آیین مهر و مهرپرستی و ایزد مهر و معبد خورشید و هرچه دیگر از این دست می شنویم همه از این باور دیرینه و مقدس بودن خورشید سر چشمه گرفته است. از نام کشور ژاپن یا کشور آفتاب تابان و دایره بزرگ سرخ رنگ خورشید بر روی پرچم ژاپن گرفته تا همین لقب آریا مهر (خورشید ایران یا به کنایه مورد پرستش ایرانیان) که گویا دکتر رضازاده شفق برای محمد رضا شاه پهلوی پیشنهاد کرد و مجلسین تصویب نمودند، همه ریشه در همین موضوع دارد.

پنجم - مهرپرستی یا میترایسیم از مرزهای ایران فراتر رفت. در اروپا گسترش پیدا کرد و مهرابه هانی که پرستشگاه پیروان آیین مهری بود در اروپا ساخته شد. پادشاهان روم به مهرپرستی گرویدند و آیین مهر برای چند قرن آیین رسمی امپراتوری روم شد. رومیان تولد مهر را "ناتالیس انویکتوس" (natalis = noël=birth) یعنی "تولد مهر شکست ناپذیر" می نامیدند و جشن می گرفتند و آن را آغاز سال می دانستند. حتی پس از گسترش دین مسیحیت، باز کشیشان نتوانستند از گرفتن این جشن ها جلوگیری کنند. اولیای دین جدید پی بردند که برانداختن برخی سنت های آیین مهر مشکل است و یاد آن همچنان در خاطر ها زنده می ماند.

ششم - تولد عیسی مسیح بر هیچ کس به درستی معلوم نیست، نه سالش و نه روزش، و پر واضح که اگر معلوم بود اختلاف و کشمکش بر سر آن قرن ها ادامه پیدا نمی کرد. آن را ششم ژانویه، اول مارس، پانزدهم سپتامبر و روزی هم در نوامبر گفته اند. کنستانتین امپراتور روم که به پدر کلیسا مشهور است در سال 314 میلادی آیین مسیح را جانشین میترایسیم نمود و چون می خواست حساب دو جشن مسیحیان و یهودیان را که همزمان بودند از هم جدا کند، با استفاده از ابهام در تاریخ تولد عیسی و با این بهانه که مسیحیان عیسی را مظهر نور می دانند، عملاً تولد مهر یا میلاد ایزدمهر را به میلاد مسیح تبدیل کرد و تاریخ تولد عیسی را روز 22 دسامبر تعیین نمود که به واسطه اختلاف در محاسبات کیبسه گیری بعداً به 25 دسامبر تغییر یافت. نخستین بار در تقویم Philocalus در سال 354 میلادی از 25 دسامبر بعنوان روز تولد مسیح نام برده شده است. بد نیست بدانیم در زمان ابوریحان بیرونی دی ماه را "خور ماه" به معنی خورشید ماه نیز می گفتند و بعدها دی با مفهوم آفتاب و روشنایی به شکل day به معنی ساعات روشن روز وارد زبان انگلیسی شد و امروزه به معنی 24 ساعت به کار می رود. روز خورشید یا مهر روز (Sunday) را هم روز مقدس مسیحی (یکشنبه) قرار دادند. دائرةالمعارف بریتانیکا به شباهت های آشکار بین میترانسیم و مسیحیت اشاره دارد.

هفتم - مسیحیان سُرّیانی میلاد مسیح را در زبان خود یلدا نامیدند و ایرانیان که با سُرّیانی ها همجوار و در ارتباط بودند این واژه را از آنان گرفتند و برای نامیدن همان روزی که از قرن ها قبل به خاطر زایش خورشید برایشان مهم و مقدس بود و حالا مناسبت تازه ای هم پیدا کرده بود و روز تولد عیسی شده بود به کار بردند و این روز را یلدا نامیدند. بنابراین، یلدا نامی است که مسیحیان سُرّیانی برای تولد عیسی به کار برده اند و ایرانیان آن را برای همان روز که آغاز بلند شدن روزها یا تولد خورشید بوده به کار می برند.

شاعران فارسی زبان از یلدا بسیار گفته اند، از جمله سه شاعر صاحب نام متعلق به نهمصد تا هزار سال پیش به ارتباط مستقیم یلدا و مسیح اشاره کرده اند. دو بیت متوالی زیر از ناصرخسرو (1003 تا 1088 میلادی) است که در آن ترسا به معنی مسیحی و لیل قدر همان شب قدر مسلمانان است:

گر زی تو قول ترسا مجهول است
معروف نیست قول تو زی ترسا
یکشنبه است از او ز تو آدینه
تو لیل قدر داری و او یلدا

دو بیت متوالی زیر از امیر معزی (متوفی 1125 میلادی) است که در آن به مهر و ترسا هر دو اشاره دارد:

ایزد دادار مهر و کین تو گوئی
از شب قدر آفرید و از شب یلدا
زانکه به مهرت بود تقرب مؤمن
زانکه به کینت بود تفاخر ترسا

دو بیت متوالی زیر از سنائی (متوفی 1155 میلادی) نیز معلوم می دارد که یلدا قبلاً وجود داشته ولی با قرار دادن آن به عنوان زاد روز عیسی معروف تر شده است:

چو علم آموختی از حرص آن گه ترس، کاندر شب
چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا
به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جوئی
که از یک چاکری عیسی چنان معروف شد یلدا

حافظ در بیت زیر ملال همنشینی با حاکمان (ستم پیشه) را به بلندی شب یلدا تشبیه نموده و توکل می کند که با طلوع خورشید (عدالت) شب تاریک به پایان رسد:

صحبت حکام ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید خواه بو که برآید

در شعر پارسی، بلندی گیسوی یار را به شب یلدا مانند کرده اند، با سه بیت به ترتیب از سعدی، صائب و خواجه کرمانی:

روز رویش چون بر انداخت نقاب از سر زلف
گویی از روز قیامت شب یلدا برخاست
می کند زلف دراز تو به دل های حزین
آنچه با خسته روانان شب یلدا نکند
هست در سالی شبی ایام را یلدا و لیک
کس نشان ندهد که ماهی را دو شب یلدا بود

معنی بیت بالا: [هر سال فقط یک شب یلدا دارد، ولی کسی ندیده که در یک ماه (با کنایه از رخسار همچون ماه او) دو شب یلدا (با کنایه از دو دسته موی سیاه معشوق) وجود داشته باشد.]

دوران فراق و دوری از معشوق را هم که در چشم عاشق طولانی می نماید به شب یلدا تشبیه کرده اند، با سه بیت به ترتیب از اوحدی مراغه ای، سعدی و فروغی بسطامی:

شب هجرانت ای دلبر شب یلداست پنداری
رخت نوروز و دیدار تو عید ماست پنداری
نظر به روی تو هر بامداد نوروزیست
شب فراق تو هر شب که هست یلدانیست
من از روز جزا واقف نبودم
شب یلدای هجران آفریدند

... در میان ما ایرانیان هنوز این رسم بر جای مانده که در بلندترین شب سال، یا شب چله، افراد خانواده گرد هم آیند و آجیل و شیرینی خورند، آنها که گرم مزاجند خنکی مانند هندوانه و آنها که سرد مزاجند گرمی مانند خرما و انجیر و ارده شیر خورند تا طبع و مزاجشان برگردد. با حرف و خاطره و فال حافظ تا دیرگاه و نزدیک سحر و گاه تا طلوع آفتاب بیدار نشینند تا برآمدن آفتاب را نظاره کنند ... رسمی که در غبار زمان رنگ باخته و نام و نشان از دست داده، و آئینی که صدا و سیمایش در هیاهو و سیطره مسیحیت به سختی شنیده و دیده می شود.